

Politics of language and the boundaries of transparency

(Original version/English)

I am working on a survey, a cultural/linguistic analysis, about the experience of being a foreigner in Europe:

The main question raised through my own experiences!

Every now and then, on a daily basis, I've been told/asked precisely; "Why are you here?" or "why are you settling here?" (Even within the queer community)

Both questions—despite their simplicity—have very pejorative connotations, which seemingly suggest a deeper psychological and historical meaning. According to my experiences —after 7 years of living in Switzerland— these questions are very common and acceptable here as parts of the 'Norms' (specially in German speaking part), to not answering them constantly, you might create misunderstandings.

With answering these questions clearly or being constantly self-explanatory about every private aspect of your life you might cooperate and generating more transparency.

However based on evidences, in practice, the process of "getting naked in the name of transparency" seems only one-sided towards the foreigners and seems to not have an ending point or a clear limit in several conversations and contexts. Where are the boundaries of nakedness? Who decides it in daily life?

****This procedure has nothing to do with legal forms and papers that every foreigner in every part of the world, has to fill, for living in a foreign country, but rather it's a deeply cultural issue****

So now, if you find this subject relevant, please take your time and answer the following questions:

-What is your experience as a foreigner in the country of your residence, regarding to mentioned above questions?

-What are your reactions in such situations ?

-Where are you setting the boundaries of transparency?

-How do you demand Transparency as a foreigner?

Thank you very much

Kamran Behrouz

سیاست گویش و مرزهای فرامایی
(Farsi for foreigners in Iran/Farsi)

در پی جستارم که مربوط به یک تحلیل فرهنگی/زبان‌شناسی است بر آن شدم تا به بررسی تجربه زندگی به عنوان یک مهاجر در ایران پردازم:

سوال اصلی از تجربه خودم نشأت گرفت! هر از چند گاهی، در خلال زندگی روزمره، مورد پرسش قرار گرفتم که «اهل کجایی؟»، «چرا به این کشور آمده ای؟» و یا «چرا اینجا اقامت کرده ای؟» هر سه سوال بار معنایی بسیار منفی با خود دارد که به نظر می رسد معانی پیچیده و عمیق تر روانشناختی و تاریخی نیز با خود به همراه می آورد. بر اساس تجربه طاهره (دختر افغانستانی) — که از هفت سالگی به همراه خانواده اش به ایران مهاجرت کرده است — در ایران این سوال ها کاملاً پذیرفته شده و هنجار محسوب میشود، به خصوص در شهری همچون تهران. با جواب ندادن به این سوال ها میتوان باعث به وجود آمدن نوعی سوء تفاهم و یا شک شد، و گاهی به طور متناقض در بعضی از موقعیت ها با جواب دادن به آنها میتوان انتظار رفتارهای تحریمی را داشت. کم کم متوجه شدم با جواب دادن به این سوال ها و توضیح دائمی در باره خودم و شخصی ترین بخش های زندگی ام میتوانم با این فضا همکاری کرده و باعث اعتماد و شفافیت شوم. با این وجود بر اساس شواهد، در عمل، به نظر میرسد که روند «برهنه شدن به اسم شفاف سازی» روندی یکسویه برای مهاجران است که ظاهراً هیچ پایان و مرز مشخصی را در بسیاری از گفتگو ها متصور نیست. مرزهای فرامایی کجاست؟ و چه کسی آنها را در زندگی روزمره تعیین میکند؟ «لازم به ذکر است که این روند هیچ ارتباطی با برگه ها و فرم های قانونی که هر شخص مهاجر در هر کجای دنیا ملزم به ارائه آنهاست ندارد، بلکه بیشتر مرتبط است با درونمایه های بسیار ریشه دار فرهنگی» اگر شما هم چنین تجربه هایی داشته اید و یا موضوع این نظر سنجی با زندگیتان مرتبط است، لطفاً با تأمل به سوال های زیر پاسخ دهید:

۱. تجربه شما نسبت به سوال های بالا به عنوان مهاجر در ایران، چیست؟
۲. عکس العمل شما در چنین موارد و شرایط هایی چگونه است؟
۳. چگونه و چه زمانی برون نمایی را برای خود مرزبندی میکنید؟
۴. در ادامه، چگونه به عنوان مهاجر، شما نیز خواستار شفافیت میشوید؟ آیا چنین چیزی را ممکن میندازید؟

با تشکر از وقتی که برای خواندن این متن صرف کردید و واژه هایی که برای جواب ها به کار خواهید برد.

کامران بهروز

سياسة اللغة و حدود الشفافية

أكتب إليكم لأحيطكم علماً أنني أعمل على كتابة دراسة استقصائية يتناول تحليلاً ثقافياً عن التجارب التي يخوضها أي أجنبي -بصفته تلك - في أوروبا.

تتمحور تجربتي الشخصية - أو تجاربي الجمّة - حول سؤال مهم يتضمن سؤالاً يوجّه إليّ بين الفينة والأخرى وبصورة يومية - لماذا أنا هنا؟- مديلاً باستفسار- لم اخترت أن تستقر في هذه البلاد دون غيرها؟- يغلظّ وقعه أنه متداول حتى في أوساط المجتمعات المثلية، أسئلة و استفسامات تحمل في طياتها دلالة ازدراء لا تخفى على أحد وتشيء بمعانٍ أعمق على المستوى النفسي والتاريخي.

استناداً لتجربتي الخاصة - وبعد قضاء سبعة سنين في سويسرا - هذه أسئلة شائعة ومقبولة خصوصاً في المناطق الأكثر تحدثاً للغة الألمانية - تفاديك الإجابة عن هذه النمط من الأسئلة قد يخلق حولك كثيراً ممن قد يسيئون فهمك أما إجاباتك الواضحة والقابلة للفهم على طول الخط في كل تفصيل من تفاصيل حياتك تتيح لك الفرصة للمشاركة الفاعلة وخلق بيئة تتسم بالشفافية، على الرغم من ذلك ، واستناداً للأدلة فإن تعرية الذات تحت شعار الشفافية - شعار مستخدم للتعمية عن واقع الأمر- يبدو أحاديًا وموجهًا للأجانب من جهة ويبدو بلا نقطة نهاية أو حد قاطع في كثير من الحوارات والسياقات من جهة أخرى.

ما هبة هذه الحدود وأين تقع؟ من هو المخوّل لتقريرها في حياتنا اليومية؟

عملية ليس لها علاقة من قريب أو بعيد بنماذج التعبئة النظامية أو المستندات الورقية التي يلجأ لتعبئتها كل أجنبي - أو مغترب بشكل عام- إنما هي في صلب الثقافة وعلى صلة وثيقة بقضاياها

بناءً على ما تقدّم - إذ وجدت الموضوع ذو أهمية أو صلة - تريث ثمّ أجب عن الأسئلة التالية

- 1- ماهي تجربتك كمغترّب في بلد إقامتك فيما يخص الاستفسارات والأسئلة التي تم طرحها من خلال النص؟
- 2- ما هي ردة فعلك في هذه الأوضاع؟
- 3- أين تقع حدود الشفافية من وجهة نظرك؟
- 4- أخيراً ما حاجتك للشفافية وماكيفية ارتباطها بك كمغترّب في البلد المقيم؟

شكراً جزيلاً
كامران بهروز

سياسة اللغة و حدود الشفافية

اعمل على مسح، تحليل لغوي ثقافي عن تجربة الاغتراب في أوروبا:

السؤال الأساسي نشأ من تجربتي الشخصية!

بين كل حين وآخر وبشكل يومي يتم سؤالي من اين انت؟ او لماذا تعيش هنا؟ حتى في محيط مجتمع "الكوير"

برغم من بساطة السؤالين الا انهما يحملان تلميحات مستفزة لها جذور نفسية وتاريخية عميقة.

طبقاً لتجربتي الشخصية بعد سبعة سنين من المعيشة في سويسرا تلك الأسئلة تعتبر طبيعية واعتيادية وخاصة في الجانب المتحدث بالألمانية وعدم الرد عليها بشكل مستمر قد يتسبب في بعض من سوء التفاهم أحياناً.

الإجابة على تلك الأسئلة بشكل واضح والتفسير الذاتي لكل جانب من حياتك الشخصية يخلق نوع من الشفافية.

ولكن ثبت بالدليل ان التعري تحت اسم الشفافية يعتبر فعل من جانب الأجانب فقط ولا يبدو انه له نهاية او حد واضح في العديد من سياقات والمحادثات.

ما هي حدود التعري؟ ومن يقرر ذلك خلال الحياة اليومية؟

** هذا الاجراء لا علاقة له بالنواحي القانونية والوثائق التي يجب على كل أجنبي في كل مكان بالعالم ان يملأها من اجل المعيشة في بلد آخر. انه بالأحرى موضوع ثقافي.

لذلك إذا رأيت(ي) ان ثمة نا يربطك بهذا الموضوع فالرجاء التكرم ببعض من وقتك للإجابة على هذه الأسئلة:

فيما يتعلق بالتساؤلات السابقة ما هي تجربتك كأجنبي في بلد اقامتك؟

ما هي ردود فعلك في تلك المواقف؟

ما حدود الشفافية بالنسبة لك وكيف تضعها؟

كيف تطالب بالشفافية كأجنبي؟

شكرا جزيلاً

كامران بهروز

Politics of language and the boundaries of transparency

(English For foreigner in Iran/English)

I am working on a survey, a cultural/linguistic analysis, about the experience of being a foreigner in Iran:

The main question raised through my own experiences!

Every now and then, on a daily basis, I've been told/asked precisely; "Why are you here?" or "why are you settling here?" (Even within the queer community)

Both questions are having very pejorative connotations, which seemingly suggest a deeper psychological and historical meaning. According to Tahereh's experiences, An afghan women — Her family immigrated from Afghanistan to Iran when she was 7 years old — these questions are very common and acceptable here as parts of the 'Norms' (specially in a city like Tehran), to not answering them constantly, you might create misunderstandings.

With answering these questions clearly or being constantly self-explanatory about every private aspect of your life you might cooperate and generating more transparency. However based on evidences, in practice, the process of "getting naked in the name of transparency" seems only one-sided towards the foreigners and seems to not have an ending point or a clear limit in several conversations and contexts. Where are the boundaries of nakedness? Who decides it in daily life? **This procedure has nothing to do with legal forms and papers that every foreigner in every part of the world, has to fill, for living in a foreign country, but rather it's a deeply cultural issue**

So now, if you find this subject relevant, please take your time and answer the following questions:

- What is your experience as a foreigner in the country of your residence, regarding to mentioned above questions?
- What are your reactions in such situations ?
- Where are you setting the boundaries of transparency?
- How do you demand Transparency as a foreigner?

Thank you very much

Kamran Behrouz

سیاست گویش و مرزهای فرامایی
(Farsi for foreigners in Europe)

در پی جستارم که مربوط به یک تحلیل فرهنگی/زبانشناسی است بر آن شدم تا به بررسی تجربه زندگی به عنوان یک مهاجر در اروپا بپردازم:

سوال اصلی از تجربه خودم نشأت گرفت! هر از چند گاهی، در خلال زندگی روزمره، مورد پرسش قرار گرفتم که «اهل کجایی؟»، «چرا به این کشور آمده ای؟» و یا «چرا اینجا اقامت کرده ای؟»

هر سه سوال بار معنایی بسیار منفی با خود دارد که به نظر می رسد معانی پیچیده و عمیق تر روانشناختی و تاریخی نیز با خود به همراه می آورد. بر اساس تجربه شخصی خودم— زندگی پس از هفت سال در سوئیس— میبایست تا خاطر نشان کنم که در اینجا این سوال ها کاملاً پذیرفته شده و هنجار محسوب میشود، به خصوص در بخش آلمانی زبان سوئیس. با جواب ندادن به این سوال ها میتوان باعث به وجود آمدن نوعی سوء تفاهم و یا شک شد، و گاهی به طور متناقض در بعضی از موقعیت ها با جواب دادن به آنها میتوان انتظار رفتارهای تحریمی را داشت.

کم کم متوجه شدم با جواب دادن به این سوال ها و توضیح دائمی در باره خودم و شخصی ترین بخش های زندگی ام میتوانم با این فضا همکاری کرده و باعث اعتماد و شفافیت شوم. با این وجود بر اساس شواهد، در عمل، به نظر میرسد که روند «برهنه شدن به اسم شفاف سازی» روندی یکسویه برای مهاجران است که ظاهراً هیچ پایان و مرز مشخصی را در بسیاری از گفتگو ها متصور نیست. مرزهای فرامایی کجاست؟ و چه کسی آنها را در زندگی روزمره تعیین میکند؟
«لازم به ذکر است که این روند هیچ ارتباطی با برگه ها و فرم های قانونی که هر شخص مهاجر در هر کجای دنیا ملزم به ارائه آنهاست ندارد، بلکه بیشتر مرتبط است با درونمایه های بسیار ریشه دار فرهنگی»
اگر شما هم چنین تجربه هایی داشته اید و یا موضوع این نظر سنجی با زندگیتان مرتبط است، لطفاً با تأمل به سوال های زیر پاسخ دهید:

۱. تجربه شما نسبت به سوال های بالا به عنوان مهاجر در اروپا، چیست؟
۲. عکس العمل شما در چنین موارد و شرایط هایی چگونه است؟
۳. چگونه و چه زمانی برون نمایی را برای خود مرزبندی میکنید؟
۴. در ادامه، چگونه به عنوان مهاجر، شما نیز خواستار شفافیت میشوید؟ آیا چنین چیزی را ممکن میدانید؟

با تشکر از وقتی که برای خواندن این متن صرف کردید و واژه هایی که برای جواب ها به کار خواهید برد.

کامران بهروز

Le langage politique et les frontières de la transparence

(French for foreigners in Europe)

Je travaille sur un sondage, une analyse culturelle / linguistique, sur l'expérience d'être étranger en Europe: La question principale interrogée par mes propres expériences! De temps en temps, tous les jours, on m'a dit / demandé précisément : «Pourquoi êtes-vous ici?» ou «pourquoi vous installez-vous ici?» (Même à la part de la communauté Queer).

Les deux questions ont des connotations très péjoratives, ce qui suggère une signification psychologique et historique plus profonde. Selon les expériences de Simin - après 8 ans en Suisse - ces questions deviennent très courantes et acceptables comme des «Normes» (non seulement en Suisse alémanique mais aussi à Genève en tant que ville multiculturelle), pour ne pas répondre constamment, vous pourriez créer des malentendus.

En répondant clairement à ces questions ou en vous expliquant constamment sur tous les aspects privés de votre vie, vous pourriez coopérer et générer plus de transparence. Cependant, selon des preuves, dans la pratique, le processus de «se dénuder au nom de la transparence» semble unilatéral envers les étrangers et il ne semble pas avoir de point final ou de limite claire dans plusieurs conversations et contextes. Où sont les limites de la nudité? Qui le décide dans la vie quotidienne?

****Cette procédure n'a rien à voir avec les formes juridiques et les papiers que chaque étranger dans chaque partie du monde doit remplir, pour vivre dans un pays étranger, mais c'est une question profondément culturelle ****

Alors maintenant, si vous trouvez cela un sujet pertinent, veuillez prendre votre temps et répondre aux questions suivantes:

- Quelle est votre expérience comme étranger dans le pays de votre résidence, selon les questions mentionnées ci-dessus?
- Quelles sont vos réactions dans de telles situations?
- Où fixez-vous les limites de la transparence?
- Comment demandez-vous la transparence comme un étranger?

Merci Beaucoup

Kamran Behrouz

Translated by a non-native French speaking / living outside of Europe (Iran)

La politique de langage et les frontières de la transparence (French for foreigners in Europe)

Je suis actuellement en train de faire une enquête. Une analyse culturelle et linguistique
Concernant l'expérience d'être un(e) étranger(e) en Europe :

La question principale m'est venue à l'esprit grâce à ma propre expérience.
Dans la vie quotidienne je faisais face à cette question : « pourquoi t'es la ? » ou « pourquoi tu restes ici ? » (Même dans la communauté queer)

Les deux questions ont un sens péjoratif avec une signification historique et psychologique profond.
Selon l'expérience d'une amie qui habite depuis huit ans en Suisse ces questions font partie de la vie quotidienne et elles sont considérées « normales ».
(Non seulement dans la partie germanophone mais aussi à Genève une ville francophone et multiculturelle).

Ne pas répondre à ces questions de façon spontanée peut créer des malentendus entre les individus.
Paradoxalement, parfois expliquer sa vie privée avec tous les détails demandés ou se justifier peut créer des soupçons aussi.

De toute façon le processus de « se mettre à nu » ou ce que nous appelons la transparence sans fin et sans limite dans divers contextes, a l'air d'être seulement valable pour les étrangers. Ou sont les frontières de cette transparence, les limites de l'intimité propre à chaque individu et qui prends la décision à ce sujet ?

Cette procédure n'a rien à voir avec les questionnaires légaux que chaque étranger doit remplir partout dans le monde afin de pouvoir habiter dans un pays étranger. Ceci est un sujet purement culturel. »

Si vous trouvez ce sujet pertinent, merci de prendre un moment pour répondre aux questions suivantes :

- Quelles sont vos expériences en tant qu'étranger dans votre pays de résidence en réponse aux questions mentionnées précédemment ?
- Quelle sont vos réactions dans ces situations ?
- Quelle sont les limites que vous vous fixez au sujet de la transparence ?
- Est-ce que vous aussi vous vous permettez de poser ce type de question?

Merci beaucoup
Kamran Behrouz

A nyelv politikája és az átláthatóság határai (Hungarian for foreigners in Europe)

Egy felmérésen dolgozom, egy kulturális / nyelvi elemzésen arról, hogy milyen idegenként élni Európában:

A központi kérdés a saját tapasztalataimon keresztül merült fel:

Napi rendszerességgel szegezték nekem ezt a kérdést, még a saját, meleg közösségemen belül is: "Miért vagy itt?" vagy "Miért telepedtél le itt?"

Mindkét kérdés pejoratív konnotációkkal jár, amelyek látszólag mélyebb pszichológiai és történelmi jelentést sugallnak. Hét év Svájci tartózkodás után, tapasztalataim szerint ezek a kérdések nagyon gyakoriak és a norma részeként elfogadottak (talán nem csak itt, hanem Magyarországon is). Ha nem válaszolsz rájuk kielégítően minden egyes alkalommal, félreértéseket generálhatsz.

Ha ezekre a kérdésekre mindig egyértelműen válaszolunk, ha magától értetődőnek tartjuk, hogy az életünk minden egyes privát aspektusát ki kell teregetnünk, hogy legitimáljuk az ittlétünket — együttműködünk és jobb átláthatóságot teremthetünk.

De gyakorlati tapasztalataim szerint a "lemeztenítés az átláthatóság nevében" egyoldalú az idegenek irányában, és úgy tűnik, hogy nincsenek végpontjai vagy egyértelmű korlátai a legtöbb beszélgetésben, kontextusban. Hol vannak a meztelenség határai? Ki dönti el a mindennapi életben?

Ennek az eljárásnak semmi köze a jogi formákhoz és iratokhoz, amelyeket minden külföldinek a világ minden táján ki kell töltenie, hogy idegen országban élhessen — hanem mélyen kulturális kérdés.

Ha ezt a témát relevánsnak találod, kérlek szánj rá pár percet és válaszolj a következő kérdésekre:

- Külföldiként élve egy másik országban mi az a tapasztalatod a fent említett kérdések tekintetében?
- Neked milyen reakcióid vannak ilyen és ehhez hasonló helyzetekben?
- Te hová teszed az átláthatóság határait?
- Külföldiként hogyan követelhetsz te magad is átláthatóságot?

Nagyon szépen köszönöm,

Kamran Behrouz

Politieke aspecten van taal en de grenzen van transparantie

(Dutch for foreigners in Iran)

Momenteel werk ik aan een enquête, een cultureel-linguïstische analyse, over hoe het ervaart om een buitenlander in Iran te zijn.

De belangrijkste vraag drong zich op als gevolg van mijn eigen ervaringen.

Geregeld, eigenlijk dagelijks, wordt mij gevraagd waarom ik hier ben of waarom ik hier kom wonen. Zelfs binnen de gay gemeenschap.

Beide vragen hebben een negatieve ondertoon, die naar een diepere psychologische en historische bedoeling lijken te verwijzen.

In Zwitserland – waar ik nu zeven jaar woon – leert mijn ervaring mij dat dit soort vragen heel normaal zijn, met name in het Duitstalige deel, en door ze niet steeds weer te beantwoorden kun je misverstanden kweken.

Tahereh, een Afghaanse vrouw, wier family emigreerde van Afghanistan naar Iran toen ze zeven jaar was ervaart dat deze vragen erg vaak worden gesteld en blijkbaar geaccepteerd worden, vooral in een stad als Teheran; als je ze niet steeds weer beantwoord kan je misverstanden creëren.

Je kunt je coöperatief opstellen door zulke vragen te beantwoorden en telkens weer je positie uit te leggen wat betreft elk aspect van het leven en meer transparantie genereren,

Echter, de praktijk leert dat ‘je bloot geven onder de dekmantel van transparantie’ een eenrichtingsproces is ten aanzien van de buitenlanders; soms lijkt er geen einde te komen of geen grenzen te zijn aan de vragen die je in gesprekken en andere contexten krijgt. Waar houdt de noodzaak om alles te laten zien en delen op, wie beslist daarover in het dagelijks leven?

NB Wat hier wordt beschreven staat geheel los van de formele procedurestukken die elke buitenlander, overal ter wereld, moet invullen om in een ander land te gaan wonen. Ik beschrijf hier een culturele attitude uit de dagelijkse praktijk.

Indien u dit onderwerp relevant vindt, zou ik u mogen vragen de volgende vragen te beantwoorden?

Wat zijn uw ervaringen al buitenlander in het land waar u woont, in het licht van bovenstaande kwesties?

Hoe reageert u in zulke situaties?

Tot hoe ver wilt u gaan in het delen van uw persoonlijke leven en opvattingen?

Hoe verkrijgt u voor uzelf als buitenlander de transparantie die u nodig heeft?

Dank u zeer.

Kamran Behrouz

Die Politik der Sprache und die Grenzen der Transparenz (Deutsch for foreigners in Europe)

Ich arbeite an einer Umfrage und kultur-linguistischen Untersuchung zu den Erfahrungen von Ausländern in Europa:

Die zentrale Fragestellung ergibt sich aus meinen eigenen Erfahrungen!

Immer wieder, täglich, sehe ich mich mit der gleichen Frage/Bemerkung konfrontiert: „Wieso bist du hier?“ oder „warum richtest du dir hier dein Leben ein?“ (sogar innerhalb der queer-Gemeinschaft).

Beide Fragen sind sehr negativ besetzt, was scheinbar auf tieferliegende psychologische und historische Bedeutungen hinweist. Gemäss meinen eigenen Erfahrungen – nach sieben Jahren Aufenthalt in der Schweiz – gehören diese Fragen zu den sehr geläufigen und allgemein akzeptierten „Verhaltensnormen“ (nicht nur im deutschsprachigen Teil der Schweiz sondern auch in der multikulturellen Stadt Wien), würde man diese Fragen nicht ständig beantworten, könnte dies zu Missverständnissen führen. Indem man diese Fragen klar beantwortet oder konstant sämtliche private Aspekte seines Lebens selber erläutert, kann man kooperieren und mehr Transparenz schaffen.

Offensichtlich scheint es jedoch in der Praxis so als ob der Prozess des „sich im Namen der Transparenz entblößen“ einseitig vom Ausländer gefordert wird und scheinbar gibt es in zahlreichen Gesprächen und Situationen diesbezüglich keinen Endpunkt oder klare Grenze.

Wo liegen die Grenzen des Sich-Entblössens? Wer entscheidet dies im alltäglichen Leben?

Diese Vorgänge haben nichts mit den rechtlichen Dokumenten und Formularen zu tun, welche alle Ausländer überall in der Welt ausfüllen müssen, um in einem fremden Land leben zu können, stattdessen handelt es sich hier um ein eindeutig kulturelles Phänomen

Für den Fall, dass Sie dieses Thema interessieren sollte, nehmen Sie sich bitte etwas Zeit, um die folgenden Fragen zu beantworten:

- Welche Erfahrungen haben Sie gemacht als Ausländer/in im Land, in dem Sie sich niedergelassen haben in Bezug auf das oben beschriebene Thema?
- Wie reagieren Sie in solchen Situationen?
- Wo ziehen Sie die Grenzen der Transparenz?
- Wie fordern Sie als Ausländer/in Transparenz ein?

Vielen Dank!
Kamran Behrouz

Politica linguistica e confini di trasparenza personale

(Italian for foreigners in Europe)

Sto lavorando ad un sondaggio, vale a dire un'analisi linguistica e culturale riguardo l'esperienza di essere straniero in Europa: proprio come me!

Molto spesso, quasi tutti i giorni, mi è stato chiesto: "Perché sei qui?" o "Perché sei venuto qui?" o "Perché vuoi vivere qui?" (Anche nella comunità queer).

Queste domande hanno connotazioni negative e suggeriscono implicazioni storiche e psicologiche più profonde. Secondo Roberto, dopo 10 anni vissuti in Svizzera, queste domande sono comuni, accettabili e parte della 'Norma' (non solo nella parte di lingua tedesca, ma anche in quella di lingua italiana della Svizzera).

Non rispondere mai a queste domande, potrebbe creare malintesi.

Rispondere a queste domande chiaramente e rendere conto pubblicamente di aspetti privati della propria vita potrebbe infatti generare positive impressioni di trasparenza nel proprio uditorio. Quindi aiutare gli stranieri nel processo di integrazione. Tuttavia, alcune testimonianze riportano come "mettersi a nudo in nome della trasparenza" sia un processo univoco, unicamente a carico degli stranieri e senza limiti rispetto a quanto di personale agli stranieri sia richiesto rivelare - in diverse conversazioni, ambiti e contesti. Quali sono i confini della nudità e trasparenza personale? Chi li decide nelle interazioni quotidiane?

Queste questioni non hanno nulla a che fare con i processi legali, giuridici e burocratici cui ogni straniero è sottoposto in ogni nazione del mondo per ottenere il diritto di risiedere in un paese del quale non sono cittadini natali.

Queste sono questioni di più profonda natura culturale, sociale, storica, psicologica e politica.

Se senti che questo tema ti riguarda, ti chiederei per piacere di partecipare al mio sondaggio e rispondere a queste domande:

- 1) Qual è la tua esperienza in quanto straniero nel paese in cui risiedi riguardo a domande del tipo "Perché sei qui?" o "Perché sei venuto qui?" o "Perché vuoi vivere in questo paese?"
- 2) Quali sono le tue sensazioni e reazioni a queste situazioni?
- 3) Come stabilisci i confini della tua nudità e trasparenza personale? Fino a che punto sei dispost* a metterti a nudo?
- 4) In che modo richiedi trasparenza personale dai tuoi interlocutori in quanto straniero?

Grazie mille per il tempo speso leggendo questo questionario.

Se potessi partecipare al sondaggio ed aiutarmi in questo mio progetto te ne sarei molto grato.

A presto,
Kamran Behrouz

Politica del linguaggio e i confini della trasparenza (Italian for foreigners in Europe)

Sto lavorando ad un'inchiesta, ad un'analisi culturale-linguistica sull'esperienza dell'essere straniero in Europa: Una questione sorta dalla mia esperienza personale!

Diverse volte, in realtà giornalmente, mi vengono rivolte queste domande (e questo persino all'interno della comunità gay di cui faccio parte): "Perché ti trovi qua?", "Perché ti vuoi trasferire qua?"

Tali domande, aventi una chiara connotazione negativa, suggeriscono un qualcosa di più profondo sia da un punto di vista psicologico che storico. Stando ad esempio all'esperienza di Roberto che vive in Svizzera da 10 anni questo tipo di domande sono più che comuni e da accettare come la "norma" (e questo non solo nella Svizzera tedesca ma anche in quella italiana), domande a cui è meglio rispondere a scampo di provocare equivoci.

Il rispondere a tali domande in maniera chiara o lo spiegare costantemente singoli aspetti della propria vita personale potrebbero venir intesi come degli atti di cooperazione idonei a generare una certa trasparenza. In realtà però se ci basiamo sulle evidenze praticamente "ci spogliamo nel nome della trasparenza" ed è questo un processo non biunivoco che colpisce unicamente lo straniero e che sembra non conoscere né limiti temporali e cioè di anni passati nel Paese ospite, né nelle molteplici conversazioni che uno può avere, né di contesto. Dove si trovano quindi i confini di questa nudità? Chi è che decide su tali confini nella vita di tutti i giorni?

Nota bene: Questa procedura sopra descritta non ha nulla a che fare con la pratica di riempire formulari o altri documenti legali, azione che ogni straniero deve fare in ogni parte del mondo, qui si parla di una profonda questione culturale.

Ora se trovate questa tematica di una certa rilevanza vi prego di dedicarvi un po' del vostro tempo nel rispondere alle seguenti domande:

- Qual è stata la vostra esperienza come straniero nel Paese che vi ospita in accordo alla situazione sopra esposta?
- Come avete reagito in queste situazioni?
- Dove ponete voi i confini della trasparenza?
- Come pretendete voi stessi della "trasparenza" trovandovi ad essere stranieri?
-

Grazie mille
Kamran Bahrouz